

بازیابی گونه‌ها و روابط فواصل آیات یک سوره

علی اصغر آخوندی^۱، سیدحسن قاضوی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

فاصله، پدیده ای بلاغی و اعجازی در پایان آیه قرآن است که از نظر لفظی و ظاهری به موضوع زیباشناختی و موسیقایی آیات یک سوره مربوط می‌شود؛ اما از جنبه دلالتی و معنایی نیز عبارات و جملات پایانی آیات یک سوره با محتوای آیه خود ارتباط معنایی محکم و وثیقی دارند. اکنون می‌توان پرسید که گونه‌های جملات و عبارات پایانی آیات در یک سوره قابل شناسایی هستند؟ آیا روابط آن‌ها را می‌توان تحت یک قاعده بیان کرد؟ با دقت نظر حداقل چهار نوع از فواصل دلالتی در یک سوره قرآن قابل بازشناسی است: آیات و فواصل یکسان؛ آیات متفاوت و فواصل یکسان؛ فواصل به هم نزدیک معنایی و فواصل دیگر. اما یک فاصله می‌تواند علاوه بر رابطه معنایی با آیه خود، یکی یا بیشتر از روابط را در سوره داشته باشد: رابطه با محتوای سوره، رابطه با سیاق، رابطه با آیه بعد، رابطه فاصله آیه اول با محتوای سوره و رابطه فاصله آیه آخر با محتوای سوره. برای هر کدام از گونه‌ها و روابط، نمونه‌هایی از آیات با توجه به تفاسیر یاد شده است. این پژوهش با روش نقلی - وحیانی و شیوه توصیفی-تحلیلی، در صدد بیان انواع فاصله آیات و روابط و مناسباتی است که فواصل در یک سوره دارد.

واژگان کلیدی: روابط فواصل؛ فاصله قرآنی؛ فواصل آیات؛ گونه‌های فواصل.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود (نویسنده مسئول)؛

Email: ali15as51@shahroodut.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران؛

Email: shghazavi@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در هنگام قرائت قرآن، توجه انسان را به خود جلب می‌کند، فرجام آیاتِ سوره است. آیات در سوره‌های مختلف با نظم‌آهنگ و موسیقی خاصی پایان می‌پذیرند. علاوه بر این آهنگ و ریتم خاص، عبارات و جملات پایانی نیز دقت نظر می‌طلبند. این عبارات و جملات پایانی که آن‌ها را «فاصله» می‌نامند، از زوایای گوناگونی، جای تفکر و تأمل دارند. یکی از این زوایا بررسی گونه‌های فواصل و روابطی است که بین آن‌ها وجود دارد. از همین رو می‌توان این سؤال اساسی را مطرح ساخت که گونه‌های فواصل آیات یک سوره کدامند و چه روابطی با یکدیگر دارند؟ آیا آن‌ها علاوه بر ارتباط با محتوای آیات خود، با فواصل دیگر آیات سوره نیز رابطه دارند؟ آیا فواصلی که از نظر معنایی به هم نزدیک هستند، می‌توانند با یکدیگر در ارتباط باشند؟ آیا فاصله یک آیه می‌تواند با سیاق آیات نیز در ارتباط باشد؟ فواصل آیات یک سوره با محتوای کلی آن سوره در ارتباطند؟ چه ارتباطی بین فاصله آیه اول و آیه آخر با محتوای کلی سوره وجود دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در بررسی روابط فواصل، می‌توان مطرح کرد و پاسخ به آن‌ها به بحث تناسب و اعجاز قرآن کمک می‌کند.

پیشینه

در کتاب‌های علوم قرآن، اعجاز و تناسب، مانند: «البرهان» زرکشی، «الاتقان» سیوطی، «التمهید» آیت‌الله معرفت، «الفاصله فی القرآن» محمد حسناوی، «الفواصل» حسین نصار و «الدلالات المعنویة فی فواصل الآيات القرآنیة» جمال محمد ابوحسان، کم و بیش نمونه‌هایی از بحث تناسب و روابط فواصل مورد اشاره واقع شده است؛ اما موضوع گونه‌های فواصل یک سوره و روابط موجود در آن‌ها، در هیچ منبعی، به عنوان یک بحث منسجم و سیستماتیک و در هم تنیده مورد توجه قرار نگرفته است. از همین رو جای کاوش در انواع گونه‌ها و روابط فواصل در سوره‌های قرآن خالی است، که این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، چنین رسالتی برعهده گرفته و از این نظر کاملاً نو و بدیع است.

مفهوم‌شناسی

لازم است قبل از ورود به بحث اصلی، با سه مفهوم فاصله، سوره و سیاق آشنایی حاصل شود:

۱. فاصله

کلمه فاصله اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای چیزی است که با جداسازی دو قسمت از یکدیگر باعث تمییز دادن و آشکار شدن آن‌ها می‌گردد. همان‌گونه که فیروزآبادی [۳۲، ج ۱، ص ۱۰۴۲] گفته است: «الفصل، دیوار بین دو چیز است و محل به هم پیوستگی دو استخوان از بدن مفصل است. «الفاصله» مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته قرار می‌گیرد و نظم موجود را از هم جدا می‌سازد» [نک: ۳۱، ج ۷، ص ۱۲۶؛ ۶، ج ۴، ص ۵۰۵؛ ۷، ج ۱۱، ص ۵۲۱].

در معنای اصطلاحی فاصله تعاریف زیادی وجود دارد. برخی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود [۲۲، ص ۹۷؛ ۱۳، ص ۶۱]. برخی دیگر به اواخر آیات فاصله گفته‌اند، بی آنکه مشخص سازند منظور حرف، واژه یا جمله آخر آیه است [۲۱، ص ۳۹۵؛ ۷، ج ۱۱، ص ۵۲۴]. زرکشی [۲۳، ج ۱، ص ۱۴۹] و سیوطی [۲۶، ج ۲، ص ۲۶۶] فاصله را کلمه آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند. همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» [۱۷، ص ۲۹].

این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است، اما به دلیل تنوع و تعدد صور فاصله در قرآن، شامل همه فواصل لفظی و دلالتی نمی‌شود و جامع و مانع نیست. از این رو با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان تعریفی دقیق‌تر ارائه کرد:

«فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوتی، فاصله، حروف و کلمه پایانی آیه است که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشد. و از جنبه دلالتی، عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که دارای اهدافی خاص بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی وثیقی دارد» [۲، صص ۸۱-۹۶]. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، جنبه دلالتی و محتوایی فاصله یعنی جملات و عبارات پایانی آیات است.

۲. سوره

سوره در مفهوم لغوی به دلیل اختلاف نظر در ریشه اصلی به معانی متعددی آمده است. این واژه یا از ماده «سَئِر، یَسَار، سَئِرًا» است و یا «سار، یَسور، سَورًا». چنانچه از ریشه نخست باشد، به معنای «باقی مانده» است [۷، ج ۴، صص ۳۳۹-۳۴۰] و اگر از ریشه دوم باشد که بر علو و ارتفاع و بالا رفتن و صعود کردن دلالت دارد، به مفهوم «برجسته، ممتاز و مشخص» خواهد بود [۶، ج ۳، ص ۱۱۵؛ همچنین نک: ۳۲، ج ۲، ص ۵۳].

سوره در اصطلاح نیز دو تعریف دارد: ۱. مجموعه آیاتی است که ما بین دو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قرار گرفته است؛ ۲. بخشی از آیات به هم پیوسته و دارای نظم خاص و درباره یک موضوع است که با یکدیگر نازل شده‌اند. سوره در این معنا می‌تواند شامل حتی یک آیه مثل «آیه دین» شود و یک سوره اصطلاحی چه بسا مشتمل بر چندین سوره به معنای دوم شود [نک: ۳۴، ج ۱، صص ۱۹۵-۱۹۶؛ ۱۶، ج ۳۵، ص ۹۵].

۳. سیاق

«سیاق» در اصل به معنای راندن و به حرکت درآوردن چهارپایان است [۶، ج ۳، ص ۱۱۷]. در زبان عربی به کسی که در عقب کاروان است و کاروان را به پیش می‌راند «سائق» گفته می‌شود [۷، ج ۱۰، صص ۱۶۶-۱۶۷]. همچنین آن را به معنای اسلوب و روش سخن، و سیاق کلام را به طرز و اسلوب سخن، شیوه جمله‌بندی، مجرای کلام معنا کرده‌اند [۱۰، ج ۲، ص ۱۵۶۵].

در تعریف اصطلاحی آن می‌توان گفت: «سیاق نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آن‌ها با کلمه و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید» [۱۲، ص ۱۲۰]. همچنین گفته شده است: «سیاق کیفیت قرار گرفتن یک لفظ در یک جمله و جایگاه آن و پیوند خاص میان مفردات یک جمله و جمله‌های قبل و بعد است به گونه‌ای که بتوان از آن معنایی کشف کرد که از منطوق و مفهوم آیه آشکارا به دست نمی‌آید، بلکه از لوازم عقلی آن است» [۱۵].

به هر حال منظور از سیاق، فضا و جو حاکم بر تعدادی از آیات است که درباره موضوعی خاص نازل و در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و یک جریان را به وجود می‌آورند.

گونه‌های فواصل آیات یک سوره

در بررسی آیات و فواصل یک سوره می‌توانیم، گونه‌های مختلف ذیل را مشاهده کنیم. البته لازم به ذکر است که بعضی از این انواع در همه سوره‌ها وجود نداشته باشند.

الف) فواصل یکسان در آیات کنار هم

در یک سوره گاهی فواصل یکسان در کنار هم و گاهی با فاصله دو سه آیه قابل مشاهده است؛ مانند فاصله دو آیه «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» [البقره: ۸۱-۸۲] که در خلود و جاودانگی، «هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» اتحاد دارند. البته منظور از این دو جاودانگی و خلود متفاوت است. یکی از آن‌ها جاودانگی در آتش برای کسانی است که خطاها و بدی‌ها آن‌ها را احاطه کرده است و دیگری جاودانگی در بهشت برای کسانی است که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند. از آنجا که هر دو آیه از جاودانگی سخن گفته‌اند، مناسب است که فاصله آن‌ها نیز با یکدیگر مشترک باشد [نک: ۳۳، ص ۲۵۵].

یا دو آیه «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ، وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» [الذاریات: ۵۰-۵۱] که از فاصله یکسان برخوردارند. در تکرار فاصله این دو آیه یعنی «إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» اعجازی از اعجاز قرآن نهفته است، آنجا که دو آیه را که یکی امر و دیگری نهی است، آیه واحدی می‌گرداند و به جمع بین آن دو و گرفتن و عمل کردن هر دو دعوت می‌کند؛ به گونه‌ای که گرفتن یکی از آن‌ها به تنهایی انسان را از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. در نظم قرآنی همان‌گونه که برای امر، «نَذِيرٌ مُّبِينٌ» اقامه شده، برای نهی نیز «نَذِيرٌ مُّبِينٌ» اقامه شده است. یعنی هر دو این‌ها دعوت رسول خداست و او به این امر و از آن نهی می‌کند. پس آن هنگام که مخاطب این امر و نهی، به آن چه امر شده عمل کند و از آن چه نهی شده اجتناب ورزد، نجات و سلامت و رستگاری‌اش تضمین می‌شود. اما هرگاه یکی از آن‌ها را بدون دیگری بگیرد، محال است سالم بماند و به آنچه باید برسد [۲۰، ج ۲، ص ۵۳۳؛ ۳۳، ص ۱۵۵].

لازم به ذکر است که در شعر، تکرار قافیه قبل از هفت بیت عیب شمرده می‌شود [۱۴، ص ۵۷]، اما فاصله در قرآن در مواردی مانند آنچه گفته شد، گاهی در دو یا سه آیه پشت سر هم تکرار شده است و عیب هم محسوب نمی‌شود [۲۳، ج ۱، صص ۱۵۴-۱۵۵؛ ۱۷، ص ۱۴۱] و نه تنها چیزی از فصاحت و بلاغت قرآن نکاسته، بلکه بر زیبایی و جمال آن هم افزوده است [۳۵، ص ۳۰۸].

ب) فواصل نزدیک معنایی

در یک سوره، آیاتی در کنار هم مشاهده می‌شوند که فواصل آن‌ها از پیوند معنایی نزدیکی برخوردارند. مانند آیاتی که با فعل‌های «يعقلون» و «يتفكرون»، «يعلمون» و «يشعرون»، «يومنون» و «يوقنون»، «بسمعون» و «يبصرون» و ... پایان یافته‌اند. برای این

مورد می‌توان نمونه‌های بسیاری مثال آورد:

- «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ» [البقره: ۱۱-۱۳].

این دو آیه در ابتدای سوره بقره درباره منافقین و دارای دو فاصله متفاوت، ولی نزدیک به هم است. می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که دلیل این اختلاف تعبیر چیست؟ آیا یکی از فعل‌ها نمی‌تواند فاصله هر دو آیه قرار گیرد؟ آیا امکان جابجایی دو فاصله وجود دارد؟

در بررسی این آیات، می‌بینیم که چه دقتی در انتخاب الفاظ و تمییز معنای دو لفظ «يَعْلَمُونَ» و «يَشْعُرُونَ» که بسیار نیز در قرآن به کار رفته است. در اموری که به عقل برمی‌گردد، کلمه «يَعْلَمُونَ» به کار رفته، اما در اموری که حواس در آن‌ها دخالت دارد، کلمه «يَشْعُرُونَ» استعمال شده است. یا گفته شده آنجا که امر دیانت و آگاهی بر حقانیت مؤمنین و باطل بودن منافقان مطرح است، نیاز به دقت و استدلال دارد تا شخص نسبت به آن علم و آگاهی کسب کند، اما نفاق و سرکشی‌های برخاسته از آن که به فتنه و فساد در زمین می‌انجامد و امری دنیوی است، نزد مردم حتی عرب جاهلی نیز مانند امور محسوس کاملاً معلوم است. از همین‌رو در آیه فرمود: «لَا يَشْعُرُونَ». و از آنجا که در آیه دوم از سفاهت که جهل و نادانی است سخن گفت، ذکر علم از مطابقت و هماهنگی بیشتری برخوردار است. به همین جهت فرمود: «لَا يَعْلَمُونَ» [نک: ۵، ج ۳، ص ۱۶۳؛ ۲۴، ج ۱، ص ۶۵؛ ۹، ج ۱، ص ۴۵-۴۶].

به هر حال مشخص است که فساد در روی زمین چیزی است که با حواس ظاهری کاملاً قابل مشاهده است، اما منافقان به علت تعطیل کردن حواس و مشاعر خود، چیزی را که مردم به راحتی درک کنند، نمی‌توانند بفهمند و برای همین از فعل «لَا يَشْعُرُونَ» در فاصله استفاده شده است و سفاهت که نوعی جهل است با «لَا يَعْلَمُونَ» مناسبت دارد [۲۹، ص ۲۲۵؛ ۳۲، ص ۱۲۱-۱۲۵؛ ۸، ص ۴۷۲-۴۷۴].

- «وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ * وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ» [یونس: ۴۲-۴۳].

این دو آیه از سوره یونس به کسانی اشاره دارد که چشم دل را کور و گوش باطن را کر نمودند و به همین دلیل، هدایت‌ها و سخنان پیامبر در آن‌ها تاثیر نمی‌گذارد. از نکات

زیبای این دو آیه، تناسب فواصل آن‌ها است، فاصله آیه اول «وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ» و آیه دوم «وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ» است. هر کدام از این فواصل و قرار گرفتن آن‌ها در آیه، خود دارای حکمتی است.

برخی کوری را به عقل و کوری را به بصر و چشم دل مربوط می‌دانند. کلام در این آیات متضمن دو معناست، معنایی که مورد تصریح واقع شده و معنایی که مورد اشاره قرار گرفته است. معنای مورد تصریح آن است که پیامبر قادر نیست کسی را که چشم خود را بر آیات و نشانه‌های الهی و گوش خود را از سخنان روشن بسته است، هدایت کند. به این معنا که قلب و دلش را از آن گردانده است، پس با شنیدن و دیدن فایده‌ای نمی‌برد. معنای مورد اشاره نیز برتری گوش بر چشم است؛ زیرا همراه با کوری فقدان عقل و همراه با کوری فقط فقدان دیدن را قرار داد. پس شنوایی به عقل ربط دارد و به برتری آن بر بینایی اشاره دارد که علوم جدید نیز آن را تأیید می‌کند و مشاهدات نیز به آن اعتراف دارد. بنابراین شنوایی از بزرگترین راه‌ها و منافذ عقل است و ناشنوا جز سنگی سخت نیست. اما نابینایی صاحبش را هیچ روزی از رسیدن به مراتب نبوغ و استعداد باز نمی‌دارد و چه بسا که آن یکی از موجبات استعداد و بلوغ گردد [۲۸، ص ۲۲۲؛ نک، ۳۳، ص ۷۴].

ملاحظه گردید که بیشتر این آیات از فواصل برخوردارند که از نظر معنا بسیار به هم نزدیک یا شبیه هستند؛ مانند فعل‌های یعلمون و یشعرون؛ یفقهون، یعقلون، یتذکرون و یعلمون؛ إمرأ و نکراً؛ یسمعون و یبصرون؛ یؤمنون و یوقنون.

البته باید اضافه کرد که شکی نیست که میان الفاظ تفاوت‌های دقیق معنایی وجود دارد. هر لفظی دارای ویژگی‌ها و ظرافت‌های دلالتی و معنایی مشخصی است که الفاظ دیگر از آن ظرافت‌ها برخوردار نیستند. مثلاً واژه تعقل و تفکر، علم و شعور، فعل و عمل و صنع یکسان نیستند. گرچه این الفاظ در عین ظرافت‌های معنایی خاص خود، اشتراک معنایی با یکدیگر نیز دارند. قرآن کریم هنگام استخدام این الفاظ به شدت تفاوت و ظرافت‌های میان آن‌ها را رعایت کرده است به گونه‌ای که نزدیک‌ترین الفاظ از نظر معنا را که بیشترین تناسب را با جمله و سیاق دارد به کار می‌گیرد [۳۰، ص ۶۱].

برای بررسی بهتر این نوع از فواصل چند کار باید صورت گیرد:

۱. معنای لغوی واژه‌هایی که در فاصله واقع شده‌اند به دقت مورد بررسی قرار گیرد.
۲. وجوه افتراق و اشتراک لغوی و معنایی واژه‌های نزدیک به هم روشن گردد.

۳. براساس معنای لغوی رابطه فاصله با محتوای آیه خود تبیین گردد.
۴. بر اساس وجوه افتراق واژه‌ها و محتوای آیه روشن گردد که چرا این واژه‌ها نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند.
۵. تمام آیاتی که با آیه مورد نظر فاصله یکسان دارند، مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود چه مفاهیم و محتوایی برای این فاصله خاص در قرآن به کار رفته است.

ج) ارتباط فواصل با محتوای سوره

برخی از مفسران و قرآن‌پژوهان بر این باورند که هر سوره دارای محور و غرض واحدی بوده و موضوعات متعددی که در آن سوره وجود دارند، برای تبیین آن محور اصلی است. علامه طباطبایی در «المیزان»، سید قطب در «فی ظلال القرآن»، سعید حوی در «الاساس فی التفسیر»، محمد رشید رضا در «المنار»، سید محمدباقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در «تفسیر کاشف»، آیت‌الله جوادی آملی در «تسنیم»، عبدالله محمود شحات در کتاب «اهداف و مقاصد سوره‌ها» و ... از این دسته مفسران و محققان هستند [ر.ک: ۱۹، صص ۲۰۸-۲۱۲؛ ۱۸، صص ۲۰۷-۲۱۵]. از همین‌رو فاصله یک آیه، فقط با خود آن آیه پیوند ندارند بلکه با موضوع و محور اصلی سوره نیز در ارتباط است و در بررسی ارتباطات و مناسبات فواصل، رابطه آن‌ها با محتوا و غرض اصلی سوره باید مورد توجه قرار گیرد.

در قرآن در کنار هماهنگی و تناسب معنوی فاصله با آیه خود به تناسب آن با محور سوره نیز توجه شده است، یعنی در عین اینکه باید فاصله با آیه و محتوای آن متناسب باشد، در همان حال باید با موضوع اصلی سوره نیز هماهنگ باشد. بررسی دو آیه یکسان با فواصل متفاوت که در دو سوره آمده است، مشخص می‌کند که تفاوت موضوع و محور سخن در دو سوره موجب تفاوت فاصله آن‌ها شده است. و البته این از ویژگی‌های بلاغی و بیانی قرآن است که همه زمینه‌ها را مورد توجه قرار داده و همین نظم و تناسب بر زیبایی و رونق و طراوت آن افزوده است. گرچه نمونه‌ها فراوان است، اما به ذکر دو مورد بسنده می‌شود:

«وَأَتَاكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» [ابراهیم: ۳۴].

«وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ» [النحل: ۱۸].

این دو آیه بهترین نمونه برای نشان دادن ارتباط فاصله با محتوای سوره است. هر دو آیه از نعمت خدا به بندگان سخن گفته و هر دو نیز عجز انسان را از شمارش آن علی‌رغم سعی و تلاشش برای شمارش بیان کرده است.

زرکشی این سؤال را مطرح می‌کند که حکمت اختصاص آیه سوره نحل به وصف بخشنده نعمت و آیه سوره ابراهیم به وصف گیرنده نعمت چیست؟ «جواب آن است که سوره ابراهیم در وصف انسان و سرنوشت اوست و به همین مناسبت در آخر این آیه اوصاف او ذکر گردید. اما سوره نحل در توصیف خدای سبحان و اثبات الوهیت و تحقق صفات اوست. همین نیز باعث شده است، پایان آیه با وصف او خاتمه یابد. پس باید در این ترکیب‌ها تأمل نمود تا به عظمت و مرتبه بلند درجه بلاغت قرآن پی برد» [نک: ۲۳، ج ۱، صص ۱۷۶، ۲۶، ج ۲، صص ۲۸۲-۲۸۳؛ ۲۰، ج ۲، صص ۲۲۳-۲۲۴؛ ۲۵، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ ۳۵، ص ۲۳۸؛ ۳۳، صص ۱۴۹-۱۵۱؛ ۸، صص ۴۳۱-۴۳۴].

مطلبی که زرکشی و به تبع او دیگران گفته‌اند درباره این دو آیه درست است چرا که با دقت در دو سوره متوجه می‌شویم که سیاق سوره نحل در وصف خدای تعالی و بیان عظمت و دلائل و نشانه‌های فیض اوست. مطالب سوره با آفرینش آسمان‌ها و زمین آغاز می‌گردد و با خلقت انسان و چهارپایان و جنیندگان و فرو فرستادن باران و رویاندن گیاهان، و تسخیر شب و روز و آنچه که در دل زمین و دریا و کوه‌ها به ودیعت نهاده است، ادامه می‌یابد. راهنمایی با ستارگان نیز یکی از نعمت‌ها برشمرده شده تا اینکه به آیه مورد بحث منتهی می‌شود.

اما سیاق سوره ابراهیم در وصف انسان و سرکشی و تمردش از راه است. انصراف انسان را در مقابل دعوت انبیاء باز می‌گوید. هرگاه نعمت‌ها و الطافش را بر این انسان برشمرد و بزرگ داشت، سرکشی، تمرد و عصیان او افزون گشت تا به آیه ۳۴ می‌رسد. اما اختصاص وصف رحمت و غفران در اینجا از بین صفات خدای تعالی برای تقابل با ظلم و کفران انسان است. قطعاً رحمت خدای تعالی گسترده‌تر از سخط اوست. برای همین است که این انسان هر چقدر در ظلم و سرکشی بیفزاید و لجاجت به خرج دهد، با این حال درهای توبه باز است و راه‌های بازگشت به سوی بخشش و مغفرت خدای تعالی نورانی و گشوده است [نک: ۳۶، ج ۵، صص ۲۰۵-۲۰۶].

- «لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخَسِرُونَ» [هود: ۲۲].

- «لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» [النحل: ۱۰۹].

تمام کلمات این دو آیه جز کلمه آخر با یکدیگر متحد هستند، از همین رو می‌توان پرسید به چه علت آیه هود با «الأخسرون» و آیه نحل با «الخاصرون» خاتمه یافته است؟ برخی بر این باورند که «الأخسرون» برای کسانی به کار رفته که دو کاری که هر کدام به تنهایی زیان و خسران در پی دارد با هم انجام داده‌اند. آنان هم خود را از اینکه در مسیر الهی قرار بگیرند، باز داشتند و هم مانع دیگران شدند. هم خود به گمراهی افتادند و هم دیگران را گمراه کردند. به همین دلیل عذاب آنان دو برابر می‌شود و آنان زیان‌کارترین افراد هستند. اما آیه سوره نحل چنین نیست. سخن از کسانی است که فقط با یک کار توصیف شدند و آن این بود که خود را به گمراهی افکندند و زندگی دنیا را به آخرت ترجیح دادند.

از سویی دیگر آیه سوره هود که با «الأخسرون» خاتمه یافته است مراعات و هماهنگی با دیگر فواصل قبل و بعد همچون «یفترون» و «یبصرون» دارد که همراه آن‌ها الف به کار نرفته است. اما در سوره نحل فواصل همراه با الف است مانند «الکافرین» و «الغافلون». بدین سبب ترتیب این دو آیه با اختلاف فاصله‌ای که دارند هم از تناسب معنایی و هم تناسب لفظی برخوردارند [نک: ۱۱، ج ۱، ص ۹۸؛ ج ۲، صص ۷۵۳-۷۵۴؛ ج ۳، ص ۱۱۹؛ ج ۲۷، ص ۱۲، صص ۵۴۴-۵۴۵].

البته باید یادآوری کرد که برای هر کدام از این قسمت‌ها نمونه‌های فراوانی می‌توان بیان کرد که به علت محدودیت مقاله از بیان آن‌ها صرف نظر می‌شود.

د) ارتباط فواصل با سیاق

در سوره‌های متوسط و طولانی، تعدادی از آیات، برای بیان یک موضوع، سیاق خاصی را به وجود می‌آورند. این موضوع امری طبیعی است که فواصل آیات با سیاقی که در آن قرار گرفته‌اند، کاملاً در ارتباط بوده و دارای تناسب باشند. در انتخاب فاصله آیه، ارتباط و پیوند آن با مضمون و محتوای آیه، تناسب و هماهنگی آن با دیگر فواصل اطراف و همچنین ارتباط و تناسب آن با سیاق مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل آیات دارای مضمون و متنی واحد، در یک سوره نیز با فاصله‌های متفاوت پایان یافته‌اند. هنگامی که دلایل این تفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود این اختلاف به تفاوت سیاق و موضوع آن‌ها برمی‌گردد.

باید یادآوری کرد که این مسئله به گونه‌ای هنرمندانه و در نهایت زیبایی و جمال

انجام می‌پذیرد که کاملاً طبیعی می‌نماید. در حالی که مشخص است که همه این‌ها با توجه به معنا و مفهومی که سیاق و سوره در بردارد، به گونه‌ای هماهنگ شده است که کلامی از آن با جلال‌تر و تعبیری از آن با عظمت‌تر نیست و همین است که بر بلاغت و فصاحت قرآن می‌افزاید و به آیات قرآن رونق، زیبایی و طراوت می‌بخشد [نک: ۳۶، ۱۸؛ ۲۵، ص ۲۳۶].

در رابطه فاصله و سیاق و تأثیر سیاق بر فاصله باید گفت که این تأثیر را در دو بعد می‌توان مشاهده کرد:

۱. بعد لفظی و صوتی

سیاق از بعد لفظی و صوتی می‌تواند به تغییر سبک بیان فواصل منجر شود. به گونه‌ای درنگ کردنی، می‌توان دریافت که در برخی سوره‌ها (مانند سوره مریم) با تغییر سیاق، فواصل نیز تغییر کرده‌اند.

گاهی به دلیل سیاق واژه‌ای جایگزین واژه‌ای دیگر شده و یا حتی در برخی کلمات حذف و اضافه صورت می‌گیرد. یکی از مواردی که جایگزینی واژه‌ها صورت گرفته است در آیه «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» [الطارق: ۶] است که صیغه‌ای بر وزن فاعل جایگزین صیغه‌ای که بر وزن مفعول شده است. چنان‌که گفته‌اند این جا «دافق» به معنای «مدفوق» است، اما صیغه فاعل برای هماهنگی با فواصل دیگر آمده است.

عکس آن، جایگزینی صیغه‌ای بر وزن مفعول به جای صیغه‌ای بر وزن فاعل است، در آیه «إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا» [مریم: ۶۱]. استفاده از واژه «مَأْتِيًا» برای تحقق ضرب‌آهنگ و همچنین نیاز سیاق به فاصله‌ای است که به حرف مدی که بعد از یاء مشدد آمده، منتهی شود. به سبب سیاق می‌توان به جایگزینی کلمه مفرد جای مثنی و جمع و بر عکس و همچنین جایگزینی عاقل محل غیرعاقل و مؤنث جای مذکر و برعکس اشاره کرد.

به هر حال تأثیر سیاق بر بعد لفظی و موسیقی فواصل را به وضوح در بسیاری از سوره‌ها می‌توان مشاهده کرد.

۲. بعد معنایی و دلالی

قرآن فواصل آیات را فقط برای هماهنگی و توافق لفظی و صوتی مورد توجه قرار نداده، بلکه در کنار آن، به هماهنگی معنوی و دلالی فواصل توجه بیشتری کرده است. از

همین‌رو در کنار هماهنگی و تناسب معنوی فاصله با آیه خود به ارتباط آن با سیاق و سوره نیز توجه داشته است. یعنی در عین این‌که فاصله باید با آیه و محتوای آن متناسب باشد در همان حال باید با موضوع اصلی مقطع و سیاق نیز هماهنگ باشد. این مطلب را از تفاوت فواصل آیاتی که متن و محتوای یکسان دارند، اما در دو سیاق متفاوت آمده‌اند، متوجه می‌شویم. نمونه‌هایی از آیات را بررسی می‌کنیم که علی‌رغم مشابهت محتوا، فاصله آن‌ها به علت تفاوت سیاق متفاوت شده است:

- «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» [البقره: ۴۵].

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» [البقره: ۱۵۳].

با اینکه محتوای اصلی دو آیه یکی است، اما فاصله‌های آن دو با یکدیگر متفاوت است. ضمیر «ها» در آیه اول به نماز برمی‌گردد و آیه با مطلبی که درباره نماز است، پایان یافته است. این آیه در سیاقی قرار گرفته که خطاب همراه با توبیخ متوجه بنی‌اسرائیل است و مسائلی به آن‌ها یادآوری می‌شود. در آیه ۴۳ به آن‌ها دستور اقامه نماز و انجام رکوع همراه با رکاعان داده شده است. در چنین جو و فضایی، دستور استعانت از صبر و نماز می‌دهد و با این جمله که نماز جز بر خاشعان بر بقیه افراد سنگین است، پایان می‌یابد و این مطلب اشاره دارد که یهود جزء خاشعان و در نتیجه نمازگزاران نمی‌باشد.

اما آیه دوم با صبر خاتمه پیدا کرده است، چرا که فضا و سیاق آیه دوم درباره مؤمنان بوده و آنان را مخاطب قرار داده است. بعد از آیه مورد بحث نیز به موضوع کسانی پرداخته که در راه خدا به شهادت می‌رسند و همچنین موضوع امتحان و ابتلاء با ترس و گرسنگی و ... در چنین فضایی هنگامی که به مؤمنین دستور استعانت از صبر و نماز را صادر می‌کند آیه را با «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»، به پایان می‌برد. از همین‌رو نقش سیاق در فاصله این دو آیه به خوبی روشن است [نک: ۲۵، ص ۲۳۱؛ ۸، صص ۱۳۴-۱۳۷؛ ۲۷، ج ۱، ص ۴۸۲؛ ۱۶، ج ۷، صص ۵۸۲-۵۸۳].

- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» [النساء: ۴۸].

- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» [النساء: ۱۱۶].

این دو آیه نیز در سوره نساء علی‌رغم متن یکسان دارای فواصل متفاوت هستند. علت این امر را باید در سیاق متفاوتی که در آن واقع شده‌اند، بررسی کرد. آیه اول در

فضا و سیاقی است که دربارهٔ یهود و دروغ و افتراهایشان نازل شده است. به همین دلیل در چنین سیاقی مناسب است که این آیه با «فَقَدْ أَفْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» پایان پذیرد. آیه دوم در فضایی است که سخن از کفار و مشرکین غیر اهل کتاب است. آنان چون اهل کتاب نبودند، بر خدا افتراء نبستند. آنان تنها گمراه بودند و البته گمراهی و ضلالتشان شدیدتر از اهل کتاب بود. به همین دلیل «فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» شایستگی قرار گرفتن در پایان آیه را دارد [نک: ۲۳، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ۱۴، ص ۸۵؛ ۲۵، ص ۲۳۱-۲۳۲].

گرچه برای این قسمت نیز از آیات فراوانی می‌توان مثال آورد، ولی همین دو مورد که ملاحظه شد بیان‌گر تاثیر سیاق بر فاصله است، به طوری که اگر این آیات در یک فضا و سیاق دیگر واقع می‌شدند، احتمال تغییر فاصله آن‌ها وجود داشت.

هـ) ارتباط فاصلهٔ آیهٔ اول با محتوای سوره

از روابطی که برای فاصله می‌توان مطرح کرد پیوند فاصلهٔ آیهٔ اول با محتوا یا همان محور اساسی سوره است. در برخی از تفاسیر مانند: «ملاک التأویل»، «التحریر و التنویر» و به ویژه «المیزان»، به این نوع از ارتباط، اشاراتی رفته است. به چند نمونه از فواصل آیات اول که در ارتباط با محتوای اصلی سوره است، دقت کنید:

- «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» [یونس: ۱].

- «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» [یونس: ۱].

- «الم، تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» [لقمان: ۱-۲].

در ارتباط «حکیم» با محتوای سوره به آیات بسیاری در سورهٔ یونس می‌توان اشاره کرد که دلالت بر حکمت خدای سبحان دارد؛ مانند: خلقت آسمان‌ها و زمین، روشنایی خورشید و نورانی بودن ماه، آمد و شد شب و روز، و ... داستان برخی از انبیاء نیز برای موعظه و عبرت‌گیری ذکر شده، که در آن‌ها حکمت خدای تعالی در نجات پیامبران و از بین بردن تکذیب‌کنندگان کافر بیان شده؛ مانند آنچه در داستان حضرت نوح و حضرت موسی آمده است.

همچنین در سورهٔ لقمان نیز آیاتی وارد شده که دلالت بر حکمت خدای متعال دارد، از خلقت آسمان‌ها و تسخیر آنچه در آن است و فراوانی و ریزش نعمت‌ها بر بندگان و سپس حکمت خدای تعالی در اختصاص دانش‌های پنجگانهٔ غیب به خودش و آنچه از داستان لقمان و اعطاء حکمت به او در آن آمده است. همهٔ این‌ها با وصف کتاب به

حکمت در دو سوره مناسبت دارد [نک: ۸، صص ۴۲۴-۴۲۵].

- «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» [یوسف: ۱].

اولین آیه سوره یوسف با «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» پایان می‌یابد. درباره اینکه منظور از کتاب مبین چیست دو احتمال قرآن یا لوح محفوظ وجود دارد. علامه طباطبایی منظور اصلی را قرآن کریم دانسته و لوح محفوظ را نیز به عنوان احتمال مطرح می‌کند.

نکته دیگری که وجود دارد این که آیه اول سوره یوسف و سوره یونس شبیه هم هستند، جز اینکه در سوره یونس واژه پایانی «حکیم» است و در سوره یوسف «مبین». چرا این دو آیه در واژه پایانی با یکدیگر اختلاف دارند؟ علامه دلیل این اختلاف را، تفاوت محتوای دو سوره دانسته است: «ظاهراً مقصود از کتاب مبین همین قرآنی است که می‌خوانیم، چه این قرآن هم خودش واضح و روشن است و هم روشن کننده معارف الهیه و حقایقی است که از مبدأ و معاد را در بردارد. اگر در این آیه کتاب را به وصف «مبین» و در اول سوره یونس به وصف «حکیم» توصیف کرد، برای این بود که این سوره درباره داستان آل یعقوب و بیان آن نازل شده و کلمه مبین به معنای بیان کننده است» [۲۷، ج ۱۱، ص ۱۱۸].

ملاحظه می‌شود در این دو نمونه و همچنین آیات اول سوره ابراهیم و سوره سجده چگونه فاصله آیه اول در ارتباط و پیوند معنایی با محتوای اصلی سوره است. چه زیبا بود اگر این روش توسط علامه یا دیگر مفسران درباره تمام سوره‌ها انجام می‌شد. اگر علامه با بینش وسیع خود نسبت به مفاهیم و محتوای سوره‌ها، ارتباط فواصل یک سوره را با مفهوم کلی سوره روشن می‌ساختند، امروز از آگاهی بسیاری برخوردار بودیم.

و) رابطه فاصله آیه آخر با محتوای سوره

نوع دیگری از ارتباط فواصل با محتوای سوره، ارتباط فاصله آیه آخر با مضمون و محتوای اصلی سوره است.

سوره مرسلات به امتناع تکذیب‌کنندگان روز قیامت به صورت مقطعی بعد از مقطع دیگر و دلیلی پشت دلیل دیگر پرداخته است. بعد از هر مقطع یا دلیل نیز آیه «وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ» آورده است. آن‌گاه که هدف عمومی سوره تکمیل شد، خاتمه سوره را آیه «فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ» قرار داده است که تمام مطالب سوره را در بر گرفته و پوشش می‌دهد.

سوره کافرون اهتمام آشکاری بر جداسازی مؤمنین از کفار دارد. پیشنهاد کافرین به رسول خدا (ص) مبنی بر اینکه دو گروه به اتفاق خدای تعالی را که پیامبر به سوی او فرا می‌خواند مدتی پرستش کنند، آن‌گاه به همین مدت بت‌های آنان مورد پرستش دو طرف قرار گیرد. اما آیه پایانی به طور کاملاً شفاف جواب پیشنهادهای آنان را که در آیه‌های قبلی آمده است، می‌دهد: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» [نک: ۱۷، ص ۲۹۳؛ ۳۷، ص ۱۳۲].

این نوع ارتباط در سوره شریفه «ضحی» نیز مشاهده می‌شود. این سوره به چهار مقطع تقسیم شده است. در مقطع آخر که مورد بحث است، حکم عام صادر می‌کند که شامل همه عطا‌های گذشته، حال و آینده می‌شود و تمام مقاطع سوره را در یک سطح قرار داده و هم وزن می‌کند «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» [۱۷، صص ۳۳۶-۳۳۷].

البته در این بخش، آیه پایانی به عنوان فاصله به حساب آمده است. ولی به هر حال این مطلب می‌تواند موضوع تحقیق جدیدی برای روشن شدن ارتباط فاصله آخر سوره با محتوای اصلی آن قرار گیرد.

ح) رابطه فاصله با آیه بعد

فاصله آیات گاهی جزئی از ساختمان اصلی آیه بوده، از نظر نحوی استقلال نداشته و وابسته به جمله و کلمات قبلی است؛ به گونه‌ای که اگر از آیه حذف شود، معنای آیه ناقص خواهد شد. این نوع که «کلمه فاصله» نیز نامیده می‌شود [نک: ۴، ص ۵۶]، در آیات کوتاه و سوره‌های کوچک قابل مشاهده است.

نوع دیگر فاصله، شبه جمله یا جمله کامل بوده و بعد از اتمام معنا در ذیل آیه قرار گرفته و بیشتر تعلیل، تأکید، توضیح و ... قسمت قبل از خود است؛ مانند: «ان الله غفور رحیم»، «ان الله علیم بذات الصدور»، «افلا تعقلون»، «ان کنتم تعلمون»، «لعلکم تهتدون» و این نوع فاصله بیشتر در آیات بلند مشاهده می‌شود.

در بررسی آیات به نوعی از فواصل برمی‌خوریم که علاوه بر ارتباط و تعلق به آیه خود، نوعی تعلق و ارتباط به آیه بعد نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که در آیه بعد توضیح یا تکمیلی برای کلمه یا جمله پایانی آیه آمده است. حتی برخی موارد کلماتی که در آیه بعد آمده است، از نظر نحوی نیز وابسته و متعلق به فاصله آیه قبل است. این فواصل را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

نوع اول از نظر معنا مرتبط به آیه خود هستند و باعث هماهنگی و مطابقت لفظی و

موسیقایی با فواصل قبل و بعد می‌شوند، اما آیه بعدی به عنوان شرح و توضیح آن‌ها آمده است. بهترین نمونه‌های این نوع، آیاتی است که با «الذین» آغاز می‌شود. اسم موصول در اینجا مطابق نام خود، وظیفه اتصال آیه به آیه قبلی را دارد و در همین حال صفت فاصله قبلی است که در صورت عدم وجود نیز جمله قبلی از نظر نحوی کامل بود؛ مانند:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» [البقره: ۲-۴].

فاصله آیه اول «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، از طریق «الذین» به آیات بعد از خود ارتباط پیدا می‌کند و آیات بعدی توضیح و تفسیر و بیان مصادیق آن به حساب می‌آیند. در همین دسته می‌توان به آیاتی اشاره کرد که بدون «اسم موصول» به فاصله آیه قبل مرتبط شده‌اند؛ مانند جمله «يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ» [آل عمران: ۷۴]، که بدون اسم موصول به فاصله آیه پیشین «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [آل عمران: ۷۳]، مرتبط است. نوع دیگری از ارتباط فاصله با آیه بعدی در جاهایی مشاهده می‌شود که فاصله از نظر نحوی ارتباط و پیوستگی قوی‌تری به بعد از خود دارد و کلماتی که در آیه بعدی آمده‌اند از متعلقات فعلی هستند که در آیه قبل فاصله واقع شده است. می‌توان پرسید در چنین مواردی چرا میان فاصله با متعلقات آن جدایی افتاده است؟ در پاسخ باید گفت: این جدایی برای مراعات هماهنگی و تناسب صوتی و لفظی فواصل در این آیات با آیات قبل و بعد است. اگر جمله در آیه قبل کامل می‌شد، هماهنگی و تناسب از بین می‌رفت. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

«...كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» [البقره: ۲۱۹-۲۲۰].

از آنجا که آیات قبل و بعد با حرف «م» و «ن» ماقبل حرف مدی پایان یافته است، آیه ۲۱۹ نیز با «تَتَفَكَّرُونَ» خاتمه پیدا کرد، اما «فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» که متعلق به «تَتَفَكَّرُونَ» است، در آیه بعدی آمده است. عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» در فرجام آیه اول از نظر نحوی و ساختاری با عبارت «فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» در ارتباط است و این ارتباط به وجود آورنده رابطه فاصله با آیه بعدی است [نک: ۱۶، ج ۱۱، صص ۷۰-۷۱].

نتیجه‌گیری

در این مقاله که به بررسی گونه‌ها و روابط فواصل یک سوره پرداخته شده است، می‌توان موارد ذیل را نتیجه‌گیری کرد:

۱. فاصله از نظر لفظی به حروف آخر آیه گفته می‌شود، اما از نظر معنایی و دلالتی به عبارت و جمله آخر آیه گفته می‌شود که از نظر نحوی گاهی وابسته به جملات قبل از خود است و گاهی نیز مستقل از آن‌ها.
۲. در یک سوره، گونه‌های مختلفی از فواصل دیده می‌شود. فواصل و محتوای یکسان آیات، فواصل یکسان با محتوای متفاوت آیات، فواصلی که از معنای نزدیکی نسبت به هم برخوردارند و فواصلی غیر از موارد گفته شده.
۳. در بسیاری از سوره‌ها می‌توان آیاتی یافت که گرچه محتوای آن‌ها متفاوت است، اما از فواصل یکسانی برخوردارند.
۴. فواصلی در هر سوره وجود دارند که با فواصل آیات کناری یا غیر آن از نظر معنایی بسیار به هم نزدیک بوده و حتماً بین آن‌ها ارتباطی برقرار است و در تفسیر موضوعی از این نوع فواصل باید استفاده کرد.
۵. چندین نوع رابطه برای فواصل آیات یک سوره می‌توان در نظر گرفت: ارتباط فاصله با محور اصلی سوره، ارتباط با سیاق، ارتباط فاصله آیه اول با محتوای سوره، ارتباط فاصله آیه آخر با محتوای سوره و ارتباط فاصله با آیه بعد که برای هر یک نمونه‌هایی در مقاله ذکر شده است.

پیشنهادهاد

۱. گونه‌ها و روابط یاد شده را در سوره‌های مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد.
۲. هر کدام از این گونه‌ها می‌تواند به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعریف گردد.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. آخوندی، علی اصغر (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی». مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروع وحدت)، شماره ۴۴، صص ۹۶-۸۱.
- [۳]. _____ (۱۳۹۴). فواصل و چگونگی ارتباط معنایی آن‌ها با آیات. تهران، دانشگاه تهران.
- [۴]. آخوندی، علی اصغر؛ ربیعی، محمدرضا (۱۳۹۹). «بررسی ساختارشناسانه و تحلیل آماری فواصل قرآنی». مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳(۲)، صص ۵۳-۸۰.
- [۵]. ابن اثیر، نصرالله بن محمد (?). المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. قاهره، دار نهضة مصر.
- [۶]. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۹۹). معجم المقاییس اللغة. بیروت، دار الفکر.
- [۷]. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دار صادر.

- [۸]. ابوحسان، جمال محمود. (۱۴۳۱). الدلالات المعنوية لفواصل الآيات القرآنية. عمان، دارالفتح.
- [۹]. ابوسعود، محمد بن محمد (؟). ارشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم. بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۰]. اتابکی، پرویز (۱۳۹۱). فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی - فارسی. تهران، نشر فرزانه روز.
- [۱۱]. اسکافی، محمد بن عبدالله (۱۴۲۲). درة التنزیل و غرة التأویل. مکه، جامعة ام القرى.
- [۱۲]. بابایی، علی اکبر؛ عزیزى کيا، غلامعلی؛ روحانی‌راد، مجتبی (۱۳۸۵). روش‌شناسی تفسیر قرآن. قم/تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۱۳]. باقلانی، محمد بن طیب (۱۹۹۷). اعجاز القرآن. قاهره، دار المعارف.
- [۱۴]. بدوی، احمد احمد (۲۰۰۵). من بلاغة القرآن. قاهره، نهضة مصر.
- [۱۵]. جعفری، یعقوب (۱۳۸۶). «دلالت سیاق و نقش آن در فهم آیات»، ترجمان وحی، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۶۲-۷۷.
- [۱۶]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. قم، نشر اسراء.
- [۱۷]. حسناوی، محمد (۱۴۰۶). الفاصلة فی القرآن. بیروت، المكتبة الاسلامی.
- [۱۸]. حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۸). «وحدت موضوعی سوره های قرآن در ترازوی نقد». فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۵۴-۵۵، صص ۲۶۱-۲۰۶.
- [۱۹]. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۱). «درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن». فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۲۹-۳۰، صص ۲۷۱-۲۰۶.
- [۲۰]. خطیب، عبدالکریم (۱۳۹۵). اعجاز القرآن فی دراسة کاشفة لخصائص البلاغیة و معاییرها (الاعجاز فی مفهوم جدید). جلد دوم، بیروت، دار المعرفة.
- [۲۱]. راغب اصفهانی (؟). معجم مفردات الفاظ القرآن. بی‌جا، دار الکتب العربی.
- [۲۲]. رمانی، علی بن عیسی، خطابی و عبدالقاهر جرجانی (۱۳۸۷). النکت فی اعجاز القرآن؛ فی ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن. دوم، قاهره، دار المعارف.
- [۲۳]. زرکشی، محمد بن عبدالرحمان (۱۴۱۵). البرهان فی علوم القرآن. جلد دوم، بیروت، دار المعرفة.
- [۲۴]. زمخشری، محمد بن عمر (؟). الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۵]. سامرای، فاضل صالح (۱۴۱۸). التعبير القرآنی. عمان، دار عمار.
- [۲۶]. سیوطی، جلال الدین (؟). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت، دار الجیل.
- [۲۷]. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. چاپ چهارم، تهران، بنیاد علامه طباطبایی.
- [۲۸]. عامر، فتحی احمد (۱۹۸۸). فکرة النظم بین وجوه الاعجاز فی القرآن الکریم. اسکندریه، المعارف.
- [۲۹]. عباس، فضل حسن (۱۹۹۱). اعجاز القرآن الکریم. عمان.
- [۳۰]. عبدالحمید، مصطفی شعبان (۱۴۲۸). المناسبة فی القرآن: دراسة لغویة اسلوبیة للعلاقة بین اللفظ و السیاق اللغوی. اسکندریه، المكتبة الجامعی الحدیث.
- [۳۱]. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم، انتشارات هجرت.
- [۳۲]. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶). القاموس المحیط. بیروت، مؤسسة الرسالة.

- [۳۳]. لاشين، عبدالفتاح (۱۴۰۲). من اسرار التعبير في القرآن، الفاصلة القرآنية. رياض، دارالمريخ للنشر.
- [۳۴]. مصباح يزدي، محمدتقي (۱۳۸۷). قرآن شناسی ۱. تدوين توسط محمود رجبی. قم، مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خميني.
- [۳۵]. مطعني، عبدالعظيم ابراهيم محمد (۱۴۱۳). خصائص التعبير القرآني و سماته البلاغية. بی‌جا، مكتبة وهب.
- [۳۶]. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶). التمهيد في علوم القرآن. قم، مؤسسة تمهيد، ذوی القربى.
- [۳۷]. نصار، حسين (۱۹۹۹). الفواصل. قاهره، مكتبة مصر.

